

The Approach and Method of Alireza Shapour Shahbazi in Sasanian Historiography¹

Vida Movaffaghi², Roozbeh Zarrinkoob³

Abstract

Historiographical research reveals historians' scholarly influence by examining their academic traits, methodologies, and interpretative frameworks. A historian's personal background, social context, and lived experiences are essential for understanding the presuppositions shaping their writing. This paper is an attempt to identify and examine Alireza Shapour Shahbazi's approach to historiography by reviewing his perspectives in Sasanian studies and his broader articles, followed by a critical evaluation of his methodology. The study offers a practical example of assessing an Iranian historian who adheres to scientific criteria while tracing the historical and cultural continuities of his chosen period. Aimed at examining Shahbazi's Sasanian historiography through his scholarly output, this study tries to find what approaches and methods he used to analyze Sasanian events and subjects. A review of various historiographical schools and Shahbazi's works shows that he framed his event analysis and research responses within a

1. This article is obtained from the student's Master's thesis entitled "*Alireza Shapour Shahbazi's Historiography*" at the University of Tehran.

2. Ph.D. in Ancient Iranian History, University of Tehran, Tehran, Iran.(Corresponding Author). vida.movaffaghi@gmail.com

3. Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. zarrinkoobr@ut.ac.ir

Received: April 27, 2026 - Accepted: July 20, 2026



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

robust context of subject description, sources, and data. He also employed a comparative method to examine historical processes. His work consistently balances empirical description with analytical rigor, making his historiography a valuable case for understanding modern Iranian historical scholarship. This assessment highlights how Shahbazi integrated traditional source criticism with contemporary methodological awareness, ultimately contributing to a deeper comprehension of Sasanian history within its broader cultural and temporal framework.

Keywords: Alireza Shapour Shahbazi; historiography; Sasanian history; historical methodology.

رویکرد و روش علیرضا شاپور شهبازی در تاریخ‌نگاری ساسانی^۱

ویدا موفقی^۲، روزبه زرین‌کوب^۳

چکیده

پژوهش‌های تاریخ‌نگاری با شناساندن ویژگی‌های علمی مورخان، روش‌ها و رویکردهای آن‌ها در مطالعات تاریخی، میزان اثرگذاری آن‌ها را در حوزه فعالیتشان نشان می‌دهند. پیداست که شناخت فردی، اجتماعی و تجربه زیسته مورخ برای شناخت پیش‌فرض‌ها و رویکردهای او در تاریخ‌نگاری لازم است؛ این مقاله برای شناسایی تاریخ‌نگاری علیرضا شاپور شهبازی، نخست به سراغ دیدگاه‌های او در نوشته‌های ساسانی و سایر مقالات عمومی‌تر رفته و سپس به روش‌شناسی و ارزیابی رویکردهای وی می‌پردازد. ضرورت این پژوهش ارائه نمونه‌ای عملی از ارزیابی تاریخ‌نگاران ایرانی است که ضمن رعایت معیارهای علمی و روشی، پیگیر تداوم تاریخی و فرهنگی دوره مورد مطالعه خود هستند. این پژوهش به هدف بررسی تاریخ‌نگاری ساسانی شهبازی ضمن مطالعه کارنامه عملی و دیدگاه‌های وی، به این پرسش که علیرضا شاپور شهبازی برای بررسی و تحلیل رویدادها و موضوعات تاریخ ساسانی از چه رویکردها و روش‌هایی استفاده کرده، پاسخ می‌دهد. بررسی

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد ویدا موفقی با عنوان «تاریخ‌نگاری علیرضا شاپور شهبازی» در دانشگاه تهران است.

۲. دکترای تاریخ ایران باستان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
vida.movaffaghi@gmail.com

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. zarrinkoobr@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۷ - تاریخ تأیید: ۱۴۰۵/۰۴/۲۹



This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

مکاتب مختلف و ارزیابی آثار شهبازی نشان می‌دهد که او تحلیل رویدادها و پاسخ‌گویی به پرسش پژوهش را در بستری از توصیف موضوع، منابع و داده‌ها انجام می‌داد؛ او همچنین از روش تطبیقی برای بررسی فرایندها استفاده می‌کرد.

واژه‌های کلیدی: علیرضا شاپور شهبازی، تاریخ‌نگاری، تاریخ ساسانی، روش‌شناسی تاریخی.

۱. مقدمه

تاریخ‌نگاری ایران که در دوره‌های مختلف گذشته هرگز از جبر حکومت‌ها و ملاحظات سیاسی در امان نبوده، مانند تاریخ پرفراز و نشیب آن تحولات بسیاری را طی کرده است. از زمان بنای دارالفنون (۱۲۶۸ ق / ۱۸۵۱ م) و همگانی‌شدن آموزش درس تاریخ، تاریخ‌نگاری در کنار گسترش مطالعات تاریخی چهره نوینی به‌خود گرفت (زرین‌کوب، ۱۴۰۳: ۱۱). تاریخ‌نگاری که در دو حوزه، مورخ یا نوشته‌های دوره‌ای تاریخی انجام می‌شود (Elton, 2003: 324)، یک فراگفتمان^۱ یا «روایتِ روایت‌ها» است که مسئله آن مورخ و نوشته‌های تاریخی هستند (Popkin, 2016: 5). این فعالیت یا به روایت‌های تاریخی گذشته در برابر گذشته پرداخته یا درمعنای فرانظری آن به چگونگی ارائه روایت‌ها مربوط می‌شود. در حالت دوم، روش‌های تاریخی مورخ و روش‌شناسی زیربنایی پژوهش‌های تاریخی بررسی می‌شود (Klaes, 2003: 492). امروزه تاریخ‌نگاری و روند تحولات آن، شناخت انتظارات و انتخاب‌های مورخ در ساحت موضوع، رهیافت و رویکرد از اصلی‌ترین موضوعاتی است که مورخان را در حوزه روش و نگرش به‌خود مشغول ساخته است (ملاتی‌توانی، ۱۳۹۷: ۲۷). باتوجه به فاصله زمانی پژوهشگر و خواننده تاریخ نسبت به منابع تاریخی، پژوهش تاریخی متأثر از زمان رویداد و زمانه مورخ است (زرین‌کوب، ۱۳۸۶: ۱۲۵ و ۲۰۸؛ Lorenz, 2009: 500). مورخ که خود محصول تاریخ است، خالی از پیشینه اجتماعی و تاریخی نیست (کار، ۱۳۸۶: ۷۰)؛ او پیش از نگارش تاریخ، پیش‌فرض‌ها، ارزش‌ها، دوری‌ها و نظریه‌هایی دارد که با ملاحظات سیاسی، اخلاقی، مذهبی، ملی و فرهنگی جامعه درآمیخته

1. Metadiscourse

و تفکر تاریخی او را می‌سازد؛ بنابراین، در کنار تاریخ‌پژوهی برای فهم رویدادهای تاریخی لازم است به روند تاریخ‌نگاری برای شناخت فعالیت مورخان و عناصر پیشینی تأثیرگذار بر پژوهش‌های آن‌ها توجه شود.

لازمه مطالعه تاریخ‌نگاری یک مورخ، شناخت بستری است که به ایده‌های او در پاسخ به وقایع پیرامونش، شکل می‌دهد؛ بنابراین، پژوهشگر به شناسایی زندگی، زمانه، آثار مورخ و فرایند تحول آن می‌پردازد. دوره زندگی و تحصیلات علیرضا شاپور شهبازی (۱۳۲۱-۱۳۸۵) به عنوان ایران‌شناس، تاریخ‌دان، باستان‌شناس و شاهنامه‌پژوهی که به تاریخ آخرین شاهنشاهی ایران پیش از ورود عربان توجه داشته، پیش‌تر منتشر شده است (Abdi, 2007؛ خطیبی، ۱۳۸۴؛ دریایی، ۱۳۸۵؛ موفقی، ۱۳۹۹). تحصیلات شهبازی در باستان‌شناسی و تلفیق آن با تاریخ‌نگاری، نگاه زبان‌شناسانه به متون باستانی، منبع‌شناسی و نگاه نقادانه او به آن‌ها در کنار پیگیری پژوهش‌های جدید از ویژگی‌های علمی تاریخ‌نگاری شهبازی است. پیداست که رشته تاریخ بر ارزیابی‌های مداوم و مجدد منابع استوار مانده است (Tosh, 1991: 91). زبان‌دانی شهبازی در حوزه زبان‌های فارسی باستان و فارسی میانه ساسانی بررسی بی‌واسطه متون و کتیبه‌ها تاریخ‌نگاری او را دقیق‌تر می‌کرد (Shahbazi, 1993a: 3). انتشار نوشته‌های وی به انگلیسی، فرانسوی و آلمانی، دامنه ارتباطات علمی او را با پژوهشگران بین‌المللی گسترش داد. شهبازی در آثار خود به بورسیه‌های تحصیلی و چندین فرصت مطالعاتی اشاره کرده است (Ibid). وقوع انقلاب اسلامی و سال‌های اجباری دور از خانه بر تاریخ‌نگاری و تلاش او در نشان‌دادن اهمیت و کارکرد مفاهیمی چون میراث فرهنگی و هویت ملی تأثیر گذاشت. پیداست که تغییر رویکردها و دیدگاه‌های جامعه در شرایط گذار از شاهنشاهی پهلوی به جمهوری اسلامی که یکی بر هویت ملی و دیگری بر هویت دینی استوار بود، امکانات پژوهشی و شمار نوشته‌های تاریخ‌نگاران را تحت تأثیر قرار می‌داد.

۲. روش‌شناسی پژوهش

از آنجا که موضوع تاریخ‌نگاری نوشتار تاریخی است (Elton, 2003: 324) تمرکز این پژوهش نخست بر ارزیابی نوشته‌های شهبازی است، که به روش کتابخانه‌ای گردآوری و بررسی شده است. نوشته‌های مورخ آموزه‌ها، معیارها و انتظارات او را آشکار می‌سازند. گاه

دیدگاه‌های مورخان در قالب نقد، قدردانی، یادنامه و اعلان درگذشت مطرح می‌شود. این نوشته‌ها چه به قلم مورخ چه به قلم همکارانش، برای تاریخ‌نگاری که بستر تاریخ‌نگاری را می‌سازد، اهمیت دارند؛ با توجه به گستردگی نوشته‌ها، این پژوهش به بررسی یک کتاب، پنج مقاله و هجده مدخل که تنها موضوعات ساسانی را دنبال کرده‌اند، پرداخته، اما از دیدگاه‌های شهبازی که در خلال نوشته‌های هخامنشی، تاریخ‌ملی و موضوعات فرهنگی عنوان شده، غافل نمانده است. اظهارات شهبازی در مصاحبه‌نامه پژوهش (زرین کوب، ۱۳۷۸)، مدخل «تاریخ‌نگاری ایران باستان» (۲۰۰۴ا)، یادنامه دیوید بیوار (۱۹۹۳ا) و ریچارد فرای (۱۹۹۰ا) و نقدهای او (۲۰۰۲ب)، همراه با نظرات دیگران چون مقاله «اعلان درگذشت وی» (Abdi, 2007) بررسی شده است. این پژوهش با رویکرد توصیفی به شرح نظرات و دیدگاه‌های شهبازی از خلال نوشته‌های وی پرداخته است. نگارندگان برای آشنایی با کارنامه عملی شهبازی، به‌طور خلاصه نوشته‌های ساسانی وی را از نظر موضوع و اهمیت بررسی کرده و سپس در دو قسمت با نام‌های روش شهبازی در تاریخ‌نگاری ساسانی و دیگری جایگاه شهبازی در تاریخ‌نگاری ساسانی، با رویکرد تحلیلی دست به بررسی عملکرد شهبازی زده‌اند؛ همچنین در شرح چرایی گزینش‌های او در روش و فنون تاریخ‌نگاری، به روش مقابله‌ای نوشته‌های او را با نظراتش در مصاحبه و نقد سنجیده‌اند، تا مشخص شود دیدگاه‌های شهبازی تا چه اندازه در نوشته‌های او انعکاس یافته است.

۳. معرفی مهم‌ترین نوشته‌های علیرضا شاپور شهبازی درباره ساسانیان

۳-۱. کتاب

۳-۱-۱. تاریخ ساسانیان (ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی)
این کتاب که پژوهش و نگارش آن هفت سال به طول انجامید، آخرین نوشته ساسانی شهبازی و ثمره بیش از سی سال پژوهش اوست؛ شهبازی داده‌های این کتاب را با منابع تاریخ‌نگاری ایرانی و غیرایرانی، متون پهلوی، منابع مادی چون کتیبه، مهر، ظرف و غیره سنجیده است. او در دیباچه نود صفحه‌ای با شرح مفاهیم، منابع، روش پژوهش و تدوین تاریخ طبری، بررسی زندگی علمی طبری و نوشته‌های او، تاریخ‌نگاری طبری را بررسی کرده است. شهبازی هدف این پژوهش را ارائه ترجمه و تفسیری جدید از تاریخ طبری، مقایسه آن با تاریخ بلعمی، بررسی مجدد تاریخ ساسانی به اتکای تمامی منابع ساسانی و

پژوهش‌های جدید خوانده است (۱۳۹۸: ۳-۵). او که دستیابی به منابع متنی و مادی جدید را از دلایل عمده لزوم بازنگری در اثر تئودر نولدکه (۱۳۵۸) خوانده (شهبازی، ۱۳۹۸: ۵۷۵ و ۵۷۶)، به تحلیل‌های برخاسته از سوگیری وی که گاه به بازورث نیز انتقال یافته، نقد داشته است (همان، ۴۰۸ و ۶۳۴)؛ هر چند نولدکه موجبات قدردانی ایرانیان به‌ویژه شهبازی را فراهم آورده، نگاه یونان‌مدارانه او (نولدکه، ۱۳۵۸: ۷؛ شهبازی، ۱۳۹۸: ۴، پاورقی ۲)، بر نگرش و نگارش وی بی‌تأثیر نبوده است (شهبازی، ۱۳۹۸: ۴۱۴؛ ۴۵۲؛ ۴۷۰؛ ۶۰۳).

در حوزه روش، شهبازی کتاب تاریخ ساسانیان را تلفیقی از روش طبری در ارائه مطالب و روش نولدکه در بررسی اخبار آن با بهره‌گیری از منابع متنی و مادی می‌داند. بخش اصلی کتاب شامل ترجمه تاریخ طبری در ۱۳۰ صفحه و تعلیقات آن در ۱۳۲۲ شماره و ۴۴۳ صفحه است. بیشتر نام‌ها و جای‌نام‌های موجود در تاریخ طبری در بخش تعلیقات از نظر واژگانی، دستوری و معنایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند (همان، ۳۰۴-۳۰۶). تأکید شهبازی بر کتیبه‌ها در جهت روشن کردن ابهامات تاریخی، وی را به ترجمه کامل برخی کتیبه‌ها چون کتیبه شاپور یکم بر دیوار کعبه زردشت سوق داد (همان، ۳۰۷-۳۱۷). حاصل این ژرف‌اندیشی تحلیل‌های نوینی چون رد ادعای ازدواج شاپور با دخترش (همان، ۳۱۲ و ۳۱۳) و معنی کردن دخت یا دخترک به شاهزاده خانم (همان، ۳۳۴)، ارائه فهرست‌های منابع و پژوهش‌های گسترده در موضوعاتی چون مانی (همان، ۳۲۸ و ۳۲۹) است. در تعلیقات گاه به بخش‌هایی جا افتاده در تاریخ طبری مانند جنگ‌های ایران و روم (همان، ۲۷۴-۲۸۱) و تأثیرات خدای‌نامه ساسانی و فرهنگ ایرانی بر طبری اشاره شده است. تورج دریایی ضمن بیان لزوم بازنگری ترجمه‌های تئودر نولدکه و کلیفورد ادموند بازورث از اهمیت و ضرورت کتاب (۲۰۱۰) گفته است؛ وی همچنین از علاقه شهبازی به بیان نقش ایران در تمدن‌های باستان و میانه و تلاش وی در نگارش تاریخ ساسانی به زبان انگلیسی که محقق نشد، گفته است (دریایی، ۱۳۸۵: ۴۹۹).

۲-۳. مقالات

۳-۲-۱. مطالعاتی در شمایل‌شناسی^۲ ساسانی: شاه‌گزینی نرسه در نقش‌رستم

1. Edmund Bosworth

2. Iconography

این مقاله (1983) از طریق شناسایی افراد و نمادهای موجود در نقش برجسته نرسه در نقش رستم، به بررسی شخصیت بانوی مقابل نرسه پرداخته است. شهبازی در این اثر از روش شمایل شناسی، رایج در پژوهش های باستان شناسی و مطالعات تاریخی مبتنی بر باستان شناسی هنری استفاده کرده است. مقاله از سه بخش تشکیل شده است؛ بخش نخست، شامل شرح دقیق نقش برجسته و موقعیت جغرافیایی آن و بخش دوم شامل نظرات پژوهشگران پیشین است. در بخش نهایی، شهبازی با استناد به شواهد و مدارک موجود، نظریه پژوهشگران مبنی بر آناهیتا بودن این بانو را رد کرده و او را شاپوردختک دوم، دختر شاپور یکم، خوانده که از موقعیت سیاسی بالایی در حد مشارکت در پادشاهی برخوردار بوده است. این نظریه موافقانی چون بروسیوس (۱۳۹۶: ۲۲۸) و چوکسی (2002) و مخالفانی چون تورج دریایی (۱۳۹۷: ۱۵ و ۶۵) و کلاوس شیپمان (۱۳۹۰: ۱۰۴) دارد. موسوی حاجی و مه آفرین ضمن نقد آن، این بانو را آناهیتا خوانده اند (2009).

۳-۲-۲. مطالعاتی در پیشینه نگاری ساسانی؛ مقاله نقش برجسته اردشیر دوم در طاق بستان در این مقاله (1985)، شهبازی از روش پیشینه نگاری (پروسوپوگرافی)^۱ استفاده کرده است که یا برای مطالعه گروهی شخصیت های تاریخی (موفقی و زرین کوب، ۱۴۰۲: ۲۹۷-۲۹۹)، یا برای بررسی یک فرد در میان گروهی از افراد مرتبط با وی استفاده می شود؛ بخش آغازین، با عنوان توصیف، شامل شرح جغرافیایی طاق بستان، جاذبه های دیداری، وجه تسمیه مکان، حالت ها، لباس ها و نمادها و توصیف شخصیت ها است؛ بخش دوم مربوط به بررسی و تحلیل نقش ها از قدیم ترین تحلیل مربوط به کی گشتاسپ و اعطای دیهیم قدرت به اسفندیار در حضور زردشت تا شاه گزینی شاپور یکم است. شهبازی از روی شباهت دیهیم و موبند فرد گیرنده نشان با اردشیر بابکان و اینکه شاهان ساسانی از نزدیک ترین هم نامشان الگو می گرفتند، فرد میانی را اردشیر دوم و شاپور دوم را پیروز واقعی این نبرد می داند. وی در بخش سوم، تصویر اردشیر دوم

۱. شهبازی در کتاب یادمان های ایرانی- لوکیه ای، پیشینه نگاری (پروسوپوگرافی) را استفاده از معیارهایی چون رسوم، ویژگی ها و ابزار جنگی متعلق به اشخاص یک صحنه می خواند که به جهت شناسایی آن اشخاص، تفسیر و برداشت مناسبی از نقش صورت می گیرد. این فعالیت به منظور شناسایی هویت حامی یا ولی نعمت اثر، تابعان یا ساکنان سرزمین صورت می گیرد (Shahbazi, 1975: 7-8).

در طاق بستان را تصویر روز پیروزی بر یولیان می‌خواند.

۳-۲-۳. مطالعاتی در پیشینه‌نگاری ساسانیان؛ برم‌دلک، نمادپردازی تقدیم گل

شهبازی در این مقاله (1998) از روش پیشینه‌نگاری برای مفهوم‌شناسی رسم اهدای گل در نقش برجسته ساسانی برم‌دلک استفاده کرده است. او در مقدمه، به استناد نقش برجسته‌ها، کتیبه‌ها، مهرها، سکه‌های ساسانی و برخی متون ادبی به معرفی زنان صاحب‌منصب سده‌های ۳ و ۴ م، شرح مکان، نمادها و نقوش دو پنل یادمان برم‌دلک پرداخته است؛ پنل سمت راست تصویر دو مرد ایستاده در دو طرف آتشدان است، که فرد سمت چپ بهرام دوم و فرد سمت راست به ترتیب اهوره‌مزدا، موبد، کردیر و در نهایت شاپور میشان‌شاه، پدر زن بهرام دوم خوانده شده است. پنل سمت چپ بانویی را در مقابل مردی نشان می‌دهد، که با دست راست جسم قلب‌مانندی شبیه به گل را به وی اهدا می‌کند. شهبازی با کشف ارتباط این دو پنل، پنل سمت راست را مربوط به بهرام دوم و شاپور میشان‌شاه و پنل سمت چپ را به استناد نقش برجسته تنگ‌قندیل، نگاره برم‌دلک، تصویری از ازدواج بهرام دوم دانسته است. توضیحات شهبازی در مورد لباس این بانو با آستین بلندی که انگشتان وی را پنهان کرده، مورد استفاده مطالعات زنان ساسانی قرار گرفته است (Olson, 2009: 120).

۳-۲-۴. ادعای پادشاهان نخستین ساسانی درباره میراث هخامنشی

بر اساس شواهد زبانی، جغرافیایی، سکه‌شناسی و کتیبه‌ای شهبازی معتقد بود که شاهان نخستین ساسانی از وجود هخامنشیان آگاه بودند (Shahbazi, 1977: 197-207). اصرار مخالفانی چون نولدکه (۱۳۵۸) و احسان یارشاطر (1971: 517-531)، شهبازی را به تهیه این مقاله مستقل واداشت (2001a). شهبازی به شیوه توصیفی نخست به شرح نظرات مخالف و تأثیر آن‌ها بر پژوهش‌ها پرداخته و سپس به استناد منابع داخلی و خارجی به تحلیل موضوع روی آورده است. شهبازی با استناد به شواهد سکه‌شناسی و مورخان تاریخ هنر بر آگاهی ساسانیان نخستین از هخامنشیان تأکید کرد (2001a: 66). دریایی نیز ضمن پذیرش نظریه شهبازی، نقش یهودیان در رساندن اخبار هخامنشیان را عنوان کرده است (۱۳۹۷: ۱۸۱).

۳-۲-۵. اسبی که یزدگرد بزه‌کار را کشت

این مقاله (2003a) با قدردانی از هانس پیتر اشمیت کارکرد میثره به عنوان داور الهی،

ارتباط او با اسب و اهمیت پیمان شاه با مردم در برقراری آرامش و کامیابی را آشکار ساخت. شهبازی ضمن توصیف رویدادهای زمان یزدگرد از منابع عربی و فارسی، به کمک مهر یشت در اوستا، به شرح نمادها، ارتباط آن‌ها با رویدادها و ترسیم مرگ به شکل عذاب الهی پرداخته است. او این روایت را در شاهنامه، در سه بخش شاه ستمکار و عهدشکن، اسب به‌عنوان جانور خاص میثره و در آخر آب، الههٔ ایام‌نپات و ارتباط آن با میثره شرح داده است.

۳-۳. مدخل‌های ایرانیکا دربارهٔ ساسانیان تألیف شهبازی

۳-۱-۳. اردشیر دوم

شهبازی در این مدخل (1986a) ضمن شرح سرنوشت پسران هرمزد دوم، به سیاست خارجی اردشیر دوم در آدیابنه در ارتباط با ارمنستان و گزارش به قدرت رسیدنش پرداخته است. وی مکان قرارگرفتن نقش‌برجستهٔ اردشیر را بازتاب تمایل ساسانیان به برقراری پیوند با سلسله‌های پیشین دانسته و روایت‌هایی مبتنی بر خرد، بخشش، شایستگی همچون لقب نیکوکار را برای وی درست می‌پندارد.

۳-۲-۳. اردشیر سوم

این مدخل (1986b) ضمن اشاره به دوران پرآشوب قباد دوم، کشتار شاهزاده‌های ساسانی، پادشاهی اردشیر سوم در هفت سالگی، شامل شرح نافرمانی حاکمان و سران ارتش تا حملات اعراب و ترکان است. شورش‌هایی که به پادشاهی دومین شاه غیرساسانی، شهروراز، انجامید. فرمانروایی و قتل اردشیر سوم در خردسالی، شهبازی را به موضوع دفن شاهان خردسال در میشان، سوق داده است.

۳-۳-۳. اردشیر سکانشاه

این مدخل (1986c)، دربارهٔ موقعیت اردشیر سکانشاه به‌عنوان شاه خراج‌گذار اردشیر بابکان است. شهبازی ضمن بیان فرمانبرداری اردشیر سکانشاه، حامی و حافظ یادمان کوه خواجه در سیستان، به شرح داده‌های پشت و روی سکه‌های مسی شاهان سرزمین‌های شرقی، مراحل خواندن نام اردشیر سکانشاه از روی سکه‌ها، مقایسهٔ آن با کتیبه‌ها و نظرات موجود پرداخته است.

۳-۳-۴. بهرام یکم

در این مدخل (1989a)، شهبازی با اشاره به پسران شاپور، از چگونگی جانشینی هرمزد اردشیر و بهرام یکم، ملقب به نیکوکار و رویکرد دینی او گفته و سپس سه ویژگی او، جنگ، شکار و بزم را به عنوان شاخصه‌های دینداری در سنت زردشتی بررسی کرده است؛ او ضمن بررسی تاج بهرام با نماد ایزد مهر، تصاویر و نوشته‌های نقش‌برجسته شاه‌گزینی را که با دخالت نرسه تغییر یافته، شرح داده است.

۳-۳-۵. بهرام دوم

اهمیت مدخل بهرام دوم (1989b) در شرح رویکردهای دینی او در پیروی از پدر و قدرت‌دادن به کردیر است. شهبازی ضمن شرح رابطه بهرام دوم با دستگاه دین زردشتی و مشکلات سیاسی چون رویارویی هم‌زمان با دو دشمن داخلی و خارجی در دو جبهه شرق و غرب، زمانه وی را اوج پیشرفت هنر در نمایاندن صحنه‌های درباری، سکه‌ها، نقوش‌برجسته و کتیبه‌ها خوانده است.

۳-۳-۶. بهرام چوبین

یکی از نکات مهم این مدخل (1989c) مقایسه بهرام چوبین و اردشیر بابکان است. شهبازی از آشنایی بهرام با ادبیات پهلوی، فارسی، تاریخ و حماسه گفته و ضمن معرفی نژاد کیانی او، تداوم این خاندان را تا سامانیان دنبال کرده است. شرح رویدادهای زمان وی، معرفی سکه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی او از نکات مهم این مدخل است. شهبازی ضمن یادآوری رواداری دینی بهرام به استفاده او و خسرو پرویز از ادبیات مکاشفه‌ای، پیش‌بینی پایان هزاره و تأثیر داستان پهلوی بهرام چوبین نامه بر منابع اسلامی گفته است.

۳-۳-۷. بستم و بندوی

بستم و بندوی دو دایی خسرو پرویز، پسران شاپور و نوۀ کوربنداد، از خاندان اسپهبدان بودند. این مدخل (1990b) شامل رخداد‌های زمان ایشان از شورش بهرام چوبین، آشفتگی‌های دربار، پشتیبانی آن‌ها از خسرو در بازگشت به پادشاهی است. از نکات مهم این مدخل چرایی و چگونگی شورش بستم پس از قتل بندوی، ادعای پادشاهی وی، مطیع کردن دو شاه‌نشین، ضرب سکه و شکست او است.

۳-۳-۸. شاپور یکم

در این مدخل (2002a)، شهبازی ضمن بررسی رویدادهای زمان شاپور از شرکت وی در جنگ با اشکانیان، تا حکمرانی مشترک، تاج‌گذاری و نبردهای او در مرزهای غربی، احساسات ملی خود را آشکار کرده است. شهبازی به شرح لشکرکشی‌های شاپور یکم به سرزمین‌های غربی، توسعه قلمرو، اسکان مردمان سرزمین‌های شکست‌خورده در ایران، ساخت کلیسا و صومعه در ایران، رواج زبان یونانی و سریانی، ترجمه کتاب‌هایی از علوم مختلف به پهلوی، شهرسازی و بازسازی شهرها پرداخته است. شهبازی معتقد است تاریخ ملی به یکی‌شدن اشکانیان و ساسانیان برای ساختن مفهوم ایران‌شهر اشاره دارد.

۳-۳-۹. یزدگرد یکم

این مدخل (2003b) ضمن بررسی‌های زبان‌شناسی و تبارشناسی، نگاه نقادانه به منابع و رویدادهای زمان یزدگرد، صلح‌طلبی و رواداری دینی او، سرپرستی تئودوزیوس، فرزند امپراتور روم، به شرح واکنش موبدان، مسیحیان و یهودیان پرداخته است. شهبازی در این راستا، از فرمان میلان برای کلیسای آسوری، مجمع دینی ۴۱۰ م در سلوکیه، تغییر تقویم و پیامدهای آن‌ها گفته است.

۳-۳-۱۰. هرمزان

در این مدخل (2004b)، از هرمزان (هرمزدان)، فرمانروایی خوزستان و برادر زن خسرو پرویز، به‌عنوان فردی یاد شده که زندگی و مرگ او برای اهل تاریخ و رمان‌نویسان جذاب بوده است. شهبازی ضمن شرح مبارزه او با اعراب، از جنگ‌های قادسیه، جلولاء، شوش و شوشتر، اسارت هرمزان، مسلمان‌شدن، ازدواج و همکاری او به‌عنوان مشاور عمر در تأسیس دیوان برای امور مربوط به مالیات زمین و ایجاد تقویم اسلامی تا قتل او گفته است.

۳-۳-۱۱. هرمزد (اورمزدس)

اهمیت این مدخل (2004c) در بیان رویکردهای متفاوت منابع ایرانی و کلاسیک به موقعیت یک شاهزاده پناهنده ایرانی است. هرمزد، برادر شاپور دوم و فرمانده سواره‌نظام یولیان، راهنمای او در لشکرکشی به ایران و امور سیاسی بود. شهبازی از افتخارات خانواده او چون نایب کنسولی هرمزد پسر هم‌نامش یاد کرده است.

۳-۱۲. هرمزد دوم

مدخل هرمزد دوم (2004d) را شهبازی با منابع داخلی و اشاره به شباهت تاج هرمزد با بهرام دوم آغاز می‌کند. شهبازی به خشونت وی که به مرور به ملایمت و نیکوکاری نسبت به ضعفا گرایید، سخت‌گیری او نسبت به مانویان در برابر تسامحی که در قبال مسیحیان نشان داده، بنای یک رستاک به نام کورنگ یا وهیشت‌هرمز و لشکرکشی به سوریه اشاره کرده و سرنگونی بابک، نایب‌السلطنه (بیدخش) اران، را نشان جنگ‌های خانگی زمان او می‌داند.

۳-۱۳. هرمزد سوم

شهبازی در این مدخل (2004e)، به رویدادهای زمان هرمزد سوم، شاه سیستان و پسر بزرگ یزدگرد دوم، چون شورش برادرش، پیروز، نایب‌السلطنه‌شدن مادرش، دینک، در زمان درگیری دو برادر، جانب‌داری منابع از هر کدام و چگونگی شکست و مرگ هرمزد سوم اشاره کرده است. او با نگاه منتقدانه به منابع دلیل چیرگی پیروز را حمایت خاندان مهران می‌داند.

۳-۱۴. هرمزد چهارم

مدخل هرمزد چهارم (2004f)، بیشتر بر درگیری مرزهای غربی کشور در زمان هرمزد تمرکز دارد. شهبازی با اشاره به رواداری هرمزد نسبت به فرودستان، کاهش هزینه‌ها، کاهش حقوق نیروهای نظامی، تن‌دادن به خواسته دین‌مردان برای آزار و اذیت مسیحیان، بحران‌های زمان وی را به ضعف‌هایی چون عدم انعطاف در دیپلماسی و قضاوت‌های نادرست نسبت می‌دهد.

۳-۱۵. هرمزد پنجم

شهبازی در این مدخل (2004g)، از آشفتنگی پس از قتل خسرو پرویز، حکمرانی دوازده شاه و یک فرمانده گفته و هرمزد را که اطلاعی از نام پدرش نیست، نوۀ خسرو پرویز می‌خواند. او ضمن شرح سکه‌های هرمزد، درهم‌های سال‌های مختلف و موقعیت تاریخی او، ارتباط آن‌ها را با خسرو بیان کرده است.

۳-۱۶. هرمزد کوشان‌شاه

نام هرمزد کوشان‌شاه بر دو نفر اطلاق می‌شود. این مقاله (2004h) به هرمزد، پسر بهرام یکم پرداخته، که از روی سکه‌هایش در شرق ایران شناسایی شده است. شهبازی از روی توضیحات شکل، نوشته‌های این سکه‌ها و سالشماری کوشان، هرمزد را شاهی مستقل در قلمرو شاهنشاهی کوشان خوانده و همان هرمزد بزرگ کوشان‌شاه می‌داند که ماجرای شورش و شکست او در نقش برجسته بهرام دوم در نقش رستم جاودان شده است.

۳-۳-۱۷. هرمزدگان

اهمیت این مدخل (2004i)، به چگونگی کشف محل نبرد اردشیر یکم با اردوان است، که پیش‌تر گلپایگان به نظر می‌رسید. شهبازی هرمزدگان شهر معروف رام‌هرمز در مرز ارجان و اهواز را مکان این پیروزی می‌داند که در نقش برجسته فیروزآباد ترسیم شده است.

۳-۳-۱۸. خاندان ساسانی

در این مدخل (2005)، با خلاصه‌ای از تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوره ساسانی و موضوعاتی چون دلایل شکست اشکانیان، ادعای شاهان نخستین ساسانی بر جانشینی هخامنشیان، چگونگی حکومتی‌شدن دین مزدیسنی، تغییر و تحول دستگاه دینی و کارکرد دین‌مردان در تحولات درباری و دیوان‌سالاری و تأثیر آن بر ابداع دین دبیری، شکوفایی آثار پهلوی، افزایش حجم نوشته‌های پهلوی، ترجمه آثار علمی به‌ویژه طب و نجوم از زبان‌های سریانی، یونانی و هندی دوره‌های مختلف آشنا می‌شویم. تحولاتی که به آبادسازی شهرها، رونق صنعت و اقتصاد، پیشرفت‌های سیاسی و نظامی، تقویت بنیه فرهنگی کشور، رسمی و ملی‌شدن دین زردشتی، اشاره کرده است.

۴. روش شهبازی در تاریخ‌نگاری ساسانی

برای بررسی روش تاریخ‌نگاری شهبازی لازم است به نظریه‌هایی قابل انطباق با روش و رویکرد او اشاره شود. مورخان با درنظرداشتن ویژگی‌های تاریخ، نظریه‌های جوهری مربوط به دانش تاریخ را از نظریه‌های شناختی مربوط به تاریخ‌نگاری جدا کرده‌اند (Lorenz, 2009: 395). آنچه در این پژوهش اهمیت دارد، نظریه‌های روش‌شناختی است، که در زیرمجموعه نظریه‌های شناختی قرار می‌گیرد؛ در این راستا، نظریه‌هایی که برخی از

جنبه‌های آن‌ها، نه تماماً، در تاریخ‌نگاری شهبازی قابل ردیابی‌اند، شامل تاریخ‌گرایی رانکه^۱ با تأکید بر کشف، نقد و تفسیر منابع و تاریخ‌نگاری ایدئالیستی با تأکید بر تاریخ‌اندیشه و بازسازی افکار است. این نظریه‌ها با وجود نقدهای مکاتب بعدی، در تاریخ‌نگاری نوین به حیات خود ادامه داده‌اند (Tosh, 1991: 180 & 185; Klaes, 2003: 493). در ارتباط با همین نظریه‌ها، تاریخ‌نگاری در سه رویکرد یا قالب توصیف، روایت و تحلیل انجام می‌شود. رویکرد توصیفی که نخست توسط رانکه و پیروانش دنبال می‌شد (Lorenz, 2009: 396; Klaes, 2003: 496)، قائل به توصیف رویداد برپایه شواهد است؛ به گونه‌ای که گاه توهم تجربه مستقیم را در خوانندگان ایجاد می‌کند (Tosh, 1991: 149). روایت با چیش و بازسازی اخبار، احساس همدلی، تجربه قابل درک و نوعی تحلیل ضمنی را در خواننده ایجاد می‌کند (Ibid: 150-151) و تحلیل که از سده ۲۰ م، پژوهش‌ها را از سطح رویداد به ژرفای روابط علی- معلولی کشانده است (Ibid: 153)؛ از آنجا که تاریخ به کمک روایت به داده‌های نامنسجم نظم می‌دهد، امروزه پژوهش‌های دانشگاهی به صورت تلفیقی انجام می‌شوند (Ibid: 157). در تاریخ‌نگاری شهبازی، هر سه رویکرد دیده می‌شود. بیشتر از آن‌ها به طور تلفیقی استفاده شده است.

اگر روش را عملیاتی بدانیم که امکان تجزیه، تحلیل، درک و توجیه واقعیت مورد مطالعه را فراهم می‌آورد، نخستین مرحله آن انتخاب موضوع است (ملائی‌توانی، ۱۳۹۷: ۴۳). موضوعاتی که پژوهشگر تاریخ به نسبت تخصص و توان خود برمی‌گزیند، برخاسته از علاقه شخصی، نیاز اجتماعی و پرسش‌های رایج در جامعه و محافل علمی است. در مورد موضوع، شهبازی به نسبت نیازهای علمی و اجتماعی، علاوه بر موضوعات نو مانند نقش زنان ساسانی (1983)، موضوعاتی را برمی‌گزید، که یا مانند آگاهی ساسانیان از هخامنشیان

۱. در سده ۱۹ م، طرفداران تاریخ‌گرایی چون رانکه از روش‌هایی شامل یافتن منابع تاریخی، نقد آن‌ها برای مشخص کردن منشأ زمانی و مکانی و اصالت منابع و درنهایت تفسیر به معنای کنار هم قراردادن اطلاعات تصفیه شده استفاده کردند (Lorenz, 2009: 399).

۲. تأکید رانکه بر فهم مشترک از منابع به شرط اصالت آن‌ها، طرفداران موضع ایدئالیستی چون آر. جی. کالینگود را بر آن داشت که تمام تاریخ را تاریخ اندیشه و وظیفه مورخ را ورود به دنیای ذهنی آفرینندگان منابع برای درک و بازسازی افکار و نیت افراد گذشته بخواند (Tosh, 1991: 179 & 186).

مسئله محافل علمی بود (2001a) یا مانند مقالات مجموعه شکوه ایران (Shahbazi, 2001b: 490-501; Shahbazi, 2001c: 44-46)، نقش مهمی در آگاهی تاریخی و فرهنگی ایرانیان و شناساندن ایران به غیرایرانیان داشت. دسته دیگر موضوعاتی بودند که تحت تأثیر مورخان بزرگ به کلان‌روایت تبدیل شده بودند؛ در حالی که به نظر شهبازی قابلیت ارزیابی و بررسی دوباره داشتند، از آنجا که گاه مورخان در انتخاب موضوع، پذیرش دستاوردها و تحلیل‌ها پیرو پیشینیان خود هستند (Tosh, 1991: 91)، مخالفت با کلان‌روایت‌ها کار آسانی نیست. تردیدهای شهبازی در حوزه دین زردشتی که به مقالاتی چون «تأملات اخیر درباره تاریخ سستی زردشت» (2002c) یا «افسانه ازدواج با محارم در ایران» (۱۳۷۹) انجامید، از این دست است. شهبازی با بررسی موضوعات فرهنگی چون «رقص» (2004j) و «خطوط» (1993b)، مبانی تاریخ ساسانی مانند تمدن، جامعه، زبان، ادبیات، دین، اقتصاد، روابط سیاسی، اداری و فرهنگی را به مثابه عناصر تشکیل‌دهنده حکومت ساسانی دنبال می‌کرد. بسیاری از آثار شهبازی در حوزه تاریخ ساسانی، نشان‌دهنده رویکرد فرهنگی او به تاریخ‌پژوهی است. او با باور به دوام و بقای فرهنگ ایران باستان حتی در موضوعات نظامی به تحلیل داده‌ها و بقای باورها، اسطوره‌ها در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی می‌پرداخت (شهبازی، ۱۳۷۵: ۲۲-۳۶).

در مورد روش پژوهش، می‌توان گفت که با توجه به کارکرد واقعی روش، یعنی عمومی‌کردن قواعد آن در قالب چهارچوبی برای تکرارپذیری، بررسی و نقد پژوهش‌ها (ملائی توانی، ۱۳۹۷: ۴۵)، شناخت روش و فنون مطالعه در پژوهش‌های تاریخ‌نگاری اهمیت ویژه‌ای دارد. مورخان پس از شناخت و درک منابع اولیه با نگاه انتقادی (Tosh, 1991: 167)، به توصیف کامل داده‌ها می‌پردازند. از زمانی که در سده ۱۶ م، تاریخ‌نگاری فعالیتی در حوزه نقد منبع خوانده شد (Lorenz, 2009: 396 & 398)، همواره توصیف فربه نقش بزرگی داشته است. تأکید مکتب رانکه بر کشف و نقد منبع اصلی بر پایه زبان‌شناسی (Ibid, 397) و توصیف و تفسیر مستند، در تاریخ‌نگاری شهبازی قابل ردیابی است. یکی از ویژگی‌های شهبازی از زبان صاحب‌نظران حوزه تاریخ و باستان‌شناسی، منبع‌شناسی و توجه او به نقد منابع بود (خبرنامه پارسه-پاسارگاد، ۱۳۸۵: ۱۵). اهمیت منابع اصلی برای برخی

مورخان به‌ویژه آن‌ها که مطالعاتشان منبع‌محور است، تا آنجا است که تنها آموزش و هدف تاریخ‌نگاری را مطالعه و بازگویی خود منابع اولیه و معتبر می‌دانند (Tosh, 1991: 148). شهبازی که تاریخ را بازگوکننده ارتباطات اجتماعی و فرهنگی و تداوم آن در سده‌های بعدی دیده، ضمن اهمیت‌دادن به منابع و نقد آن‌ها، به شرح داده‌ها و دلایل پذیرش یا عدم پذیرش آن‌ها می‌پرداخت. گذشته از اینکه مقالات او بیشتر با توصیف منابع، رویدادها، شرایط زمانی و مکانی آغاز می‌شد، گاه او بخشی را با عنوان «توصیف» می‌خواند (1983). او پژوهش‌های زبان‌شناسی، باستان‌شناسی، سکه‌شناسی، مهرشناسی، جغرافیا، ادبیات، را لازمه پژوهش‌های تاریخی دانسته و داده‌های حاصل از هر کدام را توصیف می‌کرد. شهبازی ضمن استناد به تمامی منابع مرتبط با موضوع، منابع مکتوب یا مادی ایرانی، را ارزشمندترین و معتبرترین منابع می‌خواند. در بیشتر نوشته‌ها، شهبازی از دو یا سه رویکرد توصیف، روایت و تحلیل همراه با هم استفاده کرده است (2002b). در مطالعات پیشینه‌نگاری (پروسوپوگرافی) و شمایل‌شناسی (ایکونوگرافی)، شهبازی بخش توصیف را به‌گونه‌ای مجزا مقدمه تحلیل قرار می‌داد. او در پاسخ به چرایی ساخته‌شدن روایت مرگ افسانه‌گونه یزدگرد یکم در تاریخ ملی (2003b)، به توصیف شواهد و منابع خود پرداخته است. گاه شهبازی در مقدمه اثر، بر توصیفی‌بودن کار خود اشاره می‌کرد (1975). در هر حال، تلفیق روایت و تحلیل با وجود گستره منابع، موضوعات، مقیاس‌های زمانی سطحی (دوره رویداد) و عمقی (پیش و پس‌رویداد)، ارتباط با جوامع دور و نزدیک، مورخان را به‌سوی تاریخ تطبیقی سوق داد (Tosh, 1991: 164-165).

یکی از پیامدهای رواج رویکرد تحلیلی در تاریخ اجتماعی و شناخت فرایندهای تاریخی پیشرفت تاریخ تطبیقی در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی بود (Kocka, 1993: 371)، که بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، پدیده‌های عمومی و انفرادی را مشخص می‌کرد (Lorenz, 2009: 400-401). استفاده شهبازی از روش تطبیقی در نوشته‌هایش

۱. در رویکرد تحلیلی، پژوهش با پرسش‌های چرایی و چگونگی آغاز می‌شود، مورخ برای کشف فرایندها و تحول‌ها، به‌صورت مقابله‌ای به سنجش داده‌ها و کشف ارتباط آن‌ها با گذشته و آینده رویداد پرداخته و نتیجه را در قالب نظریه‌های جدید بررسی می‌کند. گاه نزدیک‌شدن به شرح رویدادها، نیازمند تحلیل‌های چندلایه‌ای از علل زمینه‌ای (فرایند) و علل مستقیم (اجرایی) یا عوامل در زمانی و هم‌زمانی است (Tosh, 1991: 153).

نه تنها از نظر روش، بلکه از نظر سیاستی که منجر به انتخاب روش شده، مهم است (Lorenz, 1999: 25)؛ زیرا شهبازی ضمن مقایسه جنبه‌هایی از تاریخ و فرهنگ باستانی ایران با همسایگان و آیندگان، تلاش کرده ریشه‌یابی موضوعات تاریخی، گسترش و تداوم فرهنگ ایرانیان در دوره‌های پیش و بعد را نشان دهد. آگاهی تاریخی متکی بر مفهوم پیوستگی و باور به تغییر، جهان را محصول تاریخ می‌داند؛ زیرا رفتار، ذهنیات، فرهنگ و باورها همگی نتیجه فرایندهایی در طول زمان هستند (Tosh, 1991: 12)، شهبازی به عنوان مورخ دوران باستان ایران به موضوعات فرهنگی چون ولیعهد، تاج، تاریخ‌نگاری علاقه‌مند بود؛ او برای نشان دادن تداوم فرهنگ، به شیوه تطبیقی نه تنها دوره‌های مختلف باستان، بلکه همسایگانی چون یونان یا روم را بررسی می‌کرد. پیداست که ارائه شرح منسجم و پیوسته داده‌های مستند، قابل دفاع و استدلال، از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری علمی است (ملانی توانی، ۱۳۹۷: ۳۸ و ۳۹)؛ برای انجام چنین مطالعات تطبیقی نیازی به تسلط کامل به کل دوره وجود ندارد. اصل انتخاب مضامین یا تحولات، مورخ را به جنبه‌های خاصی از موضوع می‌کشاند (Tosh, 1991: 79). تطبیق لزوماً به معنی مقایسه بین کشورها، دولت-ملت‌ها و جوامع، فرهنگ‌ها، نظام‌های اقتصادی یا نهادهای آن‌ها نیست، بلکه می‌تواند بین دوره‌های تاریخی یک کشور، مناطق، شهرها، طبقات و گروه‌های اجتماعی انجام شود (Kocka, 1993: 372). شهبازی در مدخل تاریخ‌نگاری به روش تطبیقی به مطالعه تاریخ‌نگاری ایران در مقایسه با یونان، روم و بابل پرداخته و تأثیرات هر کدام را بر دیگری نشان داده است؛ از آنجا که او در این مدخل به چگونگی پدید آمدن تاریخ و بازسازی بازسازی‌ها پرداخته، در دو لایه تاریخ‌پژوهی و تاریخ‌نگاری از روش تطبیقی بهره برده است.

یکی از شاخصه‌های اعتبار علمی مورخان پس از شناخت و نقد منابع، شیوه ویرایش آن‌هاست که به انسجام و پیوستگی داده‌های مستند، قابل دفاع و استدلال کمک می‌کند؛ زیرا در مرحله نوشتن است که مورخ تجربه پژوهشی خود را ثبت می‌کند (Tosh, 1991: 148). اهمیت سبک نوشتاری و عناصری چون تخیل در تاریخ‌نگاری آن اندازه بود که به بحث‌هایی چون قرارداد رسته تاریخ در زیرمجموعه علم (معرفت‌شناسی) یا هنر (زیبایی‌شناسی)

انجامید (Lorenz, 2009: 398). در تاریخ‌نگاری، داشتن تخیل قوی در فرضیه‌سازی، تفکر و تعامل خلاقانه با ذهنیت، بازسازی یا بازآفرینی فضای گذشته لازم است (Tosh, 1991: 186)؛ تسلط شهبازی بر متون ادبی و حماسی (شهبازی، ۱۳۷۸: ۵) بر سبک نگارش و تخیل او در تاریخ‌نگاری تأثیر داشت. از آن‌جا که برخی فنون تاریخ‌نگاری مربوط به زبان، شیوه نگارش و انتخاب سبک ادبی است، علاقه شهبازی به متون حماسی و ادبی فردوسی، حافظ و سعدی (Abdi, 2007) در تأثیرگذاری کلام او و ایجاد ذهنیت نقش بسزایی داشته است. گذشته از داده‌های تاریخی شاهنامه، ادبیات خلاق آن در شناساندن محیط اجتماعی و فکری نقش مهمی دارد. در حوزه تاریخ ساسانی، شناخت زبان فارسی میانه به شهبازی امکان استفاده بی‌واسطه از منابع فارسی میانه زردشتی، کتیبه‌نگاری، درک مفاهیم و ریشه‌یابی واژه‌ها را می‌داد (شهبازی، ۱۳۹۸: ۲۹۴ و ۴۲۱). شهبازی با نشان‌دادن اینکه دخت در نام‌های زنانه، همیشه به معنی دختر نیست، کلان‌روایت ازدواج یزدگرد و شاپور با دخترانش را به چالش کشید (همان، ۱۳۳۴). او با تغییر نام پسر مهرنرسه از زروانداد به زراوند، و دختر شاپور دوم از زروان‌دخت، به زروان‌دخت، زروانی‌بودن شاهان ساسانی را مورد تردید قرار داد (همان، ۱۳۵۳). او که شاهنامه را شالوده اندیشه خود می‌خواند (۱۳۷۸: ۵)، استفاده از آن را در تاریخ‌پژوهی گوشزد می‌کرد (شهبازی، ۱۳۹۷: ۸۵ و ۸۶) و نتایج ارجاع به شاهنامه را در آثار پژوهشگران بیان می‌کرد (1993a: 3).

۵. جایگاه شهبازی در تاریخ‌نگاری ساسانی

علیرضا شاپور شهبازی در جایگاه ایران‌شناس و مورخ تلاش کرد نقش شاهنشاهی ساسانی، رقیب قدرتمند و هم‌پایه امپراتوری روم و بیزانس، را بر تمدن‌های هند، آسیای میانه و سرزمین‌های شرق دریای مدیترانه نشان دهد و تأثیرات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آن را به‌عنوان آخرین پادشاهی باشکوه دوران باستان بر دوره اسلامی آشکار کند. نگاه شهبازی با دانش‌های کمکی به‌مثابه ابزار تاریخ‌نگاری نه‌تنها در روش‌شناسی که در دیدگاه او نسبت به پیوستگی عناصر یک فرهنگ جای داشت. او تاریخ و باستان‌شناسی را جدایی‌ناپذیر می‌خواند (شهبازی، ۱۳۷۸: ۱۵). پیداست همان اندازه که تاریخ‌نگاری به یافته‌های باستان‌شناسی نیاز دارد، داده‌های خام باستان‌شناسی نیز بدون توصیف و تحلیل‌های تاریخی به یافته‌ها، مدارک و شواهد باستان‌شناسی تبدیل نمی‌شود (زرین‌کوب، ۱۳۸۸: ۵)؛ همان‌طور

که مورخ می‌تواند با زبان‌های باستانی پیوند روحی برقرار می‌کند، کاری که از خلال ترجمه امکان‌پذیر نیست. شهبازی در یادنامه بیوار، از پیشنهاد بیوار در همکاری با وی و خواندن کتیبه‌های کاسه‌های نقره در موزه ایران باستان تهران و تهیه فهرست عتیقه‌ها در چهار نسخه در سال ۱۳۵۱ گفته است (1993a: 3). او در *تقد کتاب مهرهای ساسانی بیوار*، از میزان دقت بیوار در خواندن مهرهای ساسانی با وجود دشواری‌های زبان پهلوی قدردانی کرده است (۱۳۴۹)؛ او همچنین در مقاله قدردانی از ریچارد فرای، به شرح تلاش فرای در زبان‌شناسی و زبان‌های باستانی چون سانسکریت و پهلوی پرداخته است (1990a: x). نوشته‌های شهبازی در مقالات به‌ویژه مدخل‌های دانشنامه‌ای آگاهی وی را از زبان‌شناسی، دانش جغرافیا (Shahbazi, 2004b: 460-461) و شاهنامه‌پژوهی در بررسی‌های واژگانی، جغرافیایی، ریشه‌یابی باورهای دین، درک ساختارهای اجتماعی و فرهنگی دوره ساسانی نشان می‌دهد. شهبازی برخلاف دیدگاه‌های ضدتاریخی پست‌مدرنیست و مرگ تاریخ‌گرایی، ضرورت فرهنگی یک موضع تاریخ‌گرایانه گسترده نسبت به گذشته را احساس می‌کرد.

یکی از ویژگی‌های بارز شهبازی که بر انتخاب موضوعات تا نگارش آن‌ها تأثیر می‌گذاشت، میهن‌دوستی او بود؛ با توجه به اینکه اسباب، امکانات و به عبارتی شرط‌های اولیه مادی و معنوی تاریخ‌نگاری به نسبت رویکردهای سیاسی و فرهنگی دچار تغییر می‌شوند (Tosh, 1991: 194)، دوران گذار حکومت‌ها با ایجاد خلل در پیش‌شرط‌ها و اصولی چون دسترسی به منابع پژوهش، سفر، ایجاد ارتباطات علمی و مدیریت پژوهش‌های گروهی تا جرأت و جسارت در بیان نظرات را تغییر می‌دهند. در این میان، شهبازی در پیش‌شرط‌هایی چون «علم برای علم» که گاه تاریخ به خاطر خودش خوانده شده (ملاتی توانی، ۱۳۹۷: ۵۵) و به معنی بی‌طرفی در تاریخ‌نگاری است، تغییر نگرش داد. او که نمی‌توانست با علم‌گرایی افراطی از مسئولیت خود به عنوان یک ایرانی غافل شود، بیش از تاریخ سیاسی به تاریخ فرهنگی روی آورد و در دوره ترک میهن تا بازگشت، با انتشار آثارش به زبان‌های اروپایی، امکان آشنایی غیرایرانیان با ایران را فراهم آورد؛ با وجود این، دغدغه او بیشتر آگاهی خود ایرانیان بود که گاه از خاطر می‌بردند که نگرانی از میراث تاریخی و فرهنگی، خویشکاری

۱. مدخل‌ها بیشتر با تمرکز بر یک نام، نماد یا رویداد خاص، به توصیف فربه آن می‌پردازند.

ایشان است. او در میان انبوه دیدگاه‌های شرق‌شناسانه، یونانی‌مدار، یهودی‌مدار و اسلام‌گرایی متعصبانه، نه تنها آن‌ها را نقد می‌کرد، بلکه بر ایرانیان مسلمان‌شده پس از تسلط اعراب و بر هم‌میهنانی که با ناآگاهی از ذات تمدن و فرهنگ ایرانی به سنت، زبان و تاریخ خود بی‌توجه بودند، دردمندانه اظهار ناخشنودی می‌کرد (شهبازی، ۱۳۹۷: ۵۰، ۸۶، ۱۵۲، ۱۵۴؛ دریایی، ۱۳۸۵: ۴۹۹). بررسی تاریخ‌نگاری شهبازی نشان داد که او در دو نظام حکومتی متفاوت که رویکردهای متفاوتی به تاریخ ایران داشتند، در کنار پابندی به اصول دانش تاریخ، از ایران و جایگاه والای آن در تمدن جهان دفاع کرد. او به‌ویژه به تاریخ فرهنگی و نشان‌دادن تداوم آن از دوره باستان تاکنون توجه خاصی داشت و از پژوهشگرانی که در این زمینه کوشیدند، قدردانی می‌کرد (Shahbazi, 1990a: xiv). با وجود شیفتگی به ایران و تاریخ باستانی آن، شهبازی تلاش می‌کرد که تاریخ‌نگاری او به مسیر اصحاب ایران‌کوده و تخیلات خام و غیرعالمانه نرود (خطیبی، ۱۳۸۴: ۳). پیداست که بررسی تاریخ‌نگاری شهبازی در جایگاه فردی که علاوه بر آثار تاریخی، در حوزه پاسداری از تاریخ و فرهنگ ایران باستان مسئولیت اجرایی نیز داشته، خود بازگوکننده جایگاه او است.

۶. نتیجه‌گیری

تاریخ‌نگاری با پیوند دادن زمان مورخ به گذشته رویداد و ساختن روایت جدیدی از تاریخ، به پویایی آن کمک می‌کند. علیرضا شاپور شهبازی به تاریخ ساسانیان به مثابه آخرین مرحله از پادشاهی ایرانی پیش از حمله اعراب می‌نگریست که از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خاستگاه بسیاری از تحولات ایران در دوره اسلامی بود. او به پشتوانه دانش و تفکر تاریخی در مورد دوره‌های باستان و اسلامی ایران، تلاش می‌کرد ضمن ارائه گزارش‌های مستند در مورد تحولات دوره ساسانی، نتایج و امتداد سنت‌ها، آداب و رویکردهای فرهنگی، سیاسی، به‌ویژه ساختارهای اجتماعی ساسانی را در دوره‌های پس‌اساسانی نشان دهد. گزینش‌های او از نوع انتخاب موضوع، منابع، و رویکرد نوشتاری بیشتر در مسیر نشان‌دادن فرایندهای تاریخی و چگونگی رخ‌دادن تحولات بود. از نظر روش، شهبازی نخست با استناد به منابع دست اول، به‌ویژه منابع متنی و مادی ایرانی و یافته‌های جدید به توصیف فربه موضوع می‌پرداخت و سپس با نقد منابع و بررسی نظرات جدید دست به تحلیل گزارش‌ها می‌زد.

شهبازی در نوشته‌های خود از رویکردهای توصیف، روایت و تحلیل برای ایجاد تاریخ‌نگاری روشمند و تأثیرگذار استفاده می‌کرد. استفاده از روش تطبیقی در دنبال کردن فرایندها و پاسخ‌گویی به چراها به او اجازه می‌داد که موضوعات را در مقایسه با دوره‌های مختلف ایران باستان و گاه در مقایسه با روم، بیزانس و دوره اسلامی ایران بررسی کند. به‌همان اندازه که دستیابی وی به منابع و دانش‌های گوناگون حوزه ایران‌شناسی، به غنای تاریخ‌نگاری ساسانی می‌افزود، توجه او به کارکرد تاریخ‌نگاری در آگاهی‌بخشی به اقشار متخصص و غیر متخصص به مرور در نوشته‌های او نمایان می‌شد. شهبازی نشان داد که زنده و پویا ماندن فرهنگ ایران پیش از اسلام، ناشی از پیش‌توانه تاریخی، فرهنگی و سازگاری آن با اقلیم ایران‌شهر و روحیات ساکنان آن بوده است. آگاهی از این میراث و تلاش در پاسداری از آن نیز یک خویشکاری همگانی است. بررسی نوشته‌های شهبازی نشان داد که او توانسته دیدگاه‌ها و انتظارات شخصی و علمی خود را در نوشته‌هایش پیاده کند. پیداست که مطالعه تاریخ‌نگاری شهبازی در حوزه‌های تاریخ هخامنشیان و تاریخ ملی کمک شایانی به شناخت رویکردهای کلی تاریخ‌نگاری وی می‌کند.

فهرست منابع

- بروسیوس، ماریا (۱۳۹۶)، *ایرانیان باستان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: نشر ثالث.
- خبرنامه پارسه پاسارگاد (۱۳۸۵)، «ویژه‌نامه درگذشت پروفسور علیرضا شاپور شهبازی»، سال اول، شماره اول، شهریور. صص ۲۸-۱.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، «علیرضا شاپور شهبازی (۱۳۲۱-۱۳۸۵)»، *نامه ایران باستان*، بهار و تابستان، شماره ۹ و ۱۰، صص ۳-۱۶.
- دریایی، تورج (۱۳۸۵)، «یادی از دکتر علیرضا شاپور شهبازی»، *بخارا*، مهر و آبان، شماره ۵۵، صص ۴۹۸-۴۹۹.
- دریایی، تورج (۱۳۹۷)، *امپراتوری ساسانی*، ترجمه خشایار بهاری، چاپ دوم، تهران: نشر فرزاد.
- زرین‌کوب، روزبه (۱۳۸۸)، «تأثیر و تأثر تاریخ و باستان‌شناسی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، مهر، ش ۱۳۷، صص ۳-۵.
- زرین‌کوب، روزبه (۱۴۰۳)، «آموزش و پژوهش تاریخ ایران باستان در ایران معاصر: در جست‌وجوی افق فردا»، در *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی آخرین یافته‌ها از تاریخ ایران باستان*، دانشگاه شهید جمران اهواز، به کوشش فرشید نادری، صص ۱۱-۱۶.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸)، «باستان‌شناس و پژوهشگر: مصاحبه با علیرضا شاپور شهبازی»، *نمایه پژوهش*، بهار و تابستان، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۶-۳.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، *تاریخ در ترازو: درباره تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری*، چاپ یازدهم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

رویکرد و روش علیرضا شاپور شهبازی در تاریخ‌نگاری ساسانی | ۲۳

شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۴۹)، «نقدی بر: مهرهای ساسانی»، ای. دی. اچ. بیوار (۱۹۶۹)، در *راهنمای کتاب*، ۱۳، ص ۴۶۵-۴۶۸.

شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۷۹)، «افسانه ازدواج با محارم در ایران باستان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۱۵، شماره ۱ و ۲، صص ۹-۲۸.

شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۷۵)، «ارتش در ایران باستان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۱۰، شماره ۲، بهار و تابستان، ص ۲۲-۳۶.

شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۷۵)، «اسب و سوارکاری در ایران باستان»، *مجله باستان‌شناسی و تاریخ*، سال ۱۱، شماره ۱ و ۲، ص ۲۷-۴۲.

شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۹۷)، *زندگی‌نامه تحلیلی فردوسی*، ترجمه‌هایده مشایخ، تهران: هرمس.

شهبازی، علیرضا شاپور (۱۳۹۸)، *تاریخ ساسانیان: ترجمه بخش ساسانیان از کتاب تاریخ طبری و مقایسه آن با تاریخ بلعمی*، ترجمه، تحقیق و تعلیقات علیرضا شاپور شهبازی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ یکم.

شیپمان، کلاوس (۱۳۹۰)، *مبانی تاریخ ساسانیان*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: فرزانه.

کار، ادوارد هالت (۱۳۸۶)، *تاریخ چیست؟*، ترجمه حسن کامشاد، چاپ هفتم، تهران: خوارزمی.

ملائی توانی، علیرضا (۱۳۹۷)، *درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ*، تهران: نشر نی.

موفقی، ویدا (۱۳۹۹)، «تاریخ‌نگاری علیرضا شاپور شهبازی»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، به راهنمایی روزبه زرین‌کوب، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران.

موفقی، ویدا، زرین‌کوب، روزبه (۱۴۰۲)، «اهمیت و کارکرد روش پرسوپوگرافی (پیشینه‌نگاری) در مطالعات تاریخ ساسانی (از اردشیر بابکان تا پایان دوران شاپور ذوالکثاف)»، *دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء*، سال ۳۳، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۱۶، بهار و تابستان، صص ۲۹۵-۳۱۶.

نولدکه، تنودور (۱۳۵۸)، *تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان*، ترجمه عباس زیراب، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Abdi, Kamyar (2007), "Obituary: Shapur Shahbazi (1942- 2006)", *Iran, British Institute of Persian Studies*, Vol. 45, pp. v- vi.
- Choksy, Jamshed K. (2002), "Evil, good and gender: facets of the feminine in Zoroastrian religious history", New York, Peter Lang, pp. xii, 166.
- Daryace, T. (2016), "Tārīh-e sāsanīān. Tarjome-ye bahš-e sāsanīān az ketāb-e tārīh-e Tabarī va moqāyese-ye ān bā tārīh-e Bal'ami [Sasanian History. Translation of the Sasanian Section from the History of Tabari and its Commparission with the History of Bal'ami], Shahbazi, A. Shapur, (1389š/2010)", *Book Review Editor, Dabir*, vol. 1, No. 2.
- Elton, Daniel (2003), "Historiography I. Introduction", *Encyclopaedia Iranica (EIr)*, vol. XII, Fasc. 3, pp. 323-325.
- Klaes, M. (2003), "Historiography: A companion to the history of economic thought", pp. 489-506.
- Kocka, J. (1993), "Comparative historical research: German examples", *International Review of Social History*, 38(3), pp. 369-379.
- Lorenz, C. (1999), "Comparative Historiography: Problems and Perspectives", *History and Theory*, 38 (1), pp. 25- 39.
- Lorenz, C. (2009), "Scientific historiography", *A Companion to the Philosophy of History and Historiography*, pp. 393-403.
- Mousavi Haji, Seyyed Rasool and Mehafarin, Reza (2009), "The Lady Represented in Narseh's Relief: Shapurdokhtak or Anahita?", *Intl. J. Humanities*, vol. 16 (2), pp. 75-85.
- Olson, Mary (2009), "Goddesses, Priestesses, Queens and Dancers: Images of Women on Sasanian Silver", *Constructing the Past*: vol. 10, Iss. 1, Article 12.
- Popkin, Jeremy D. (2016), *From Herodotus to H-Net: The Story of Historiography*, Oxford University Press.

- Shahbazi, A. Sh. (1975), *The Irano-Lycian Monuments: The Antiquities of Xanthos and It's Region as Evidence for the Achaemenid Lycia*, Tehran: Institute of Achaemenid Research Publications, No. II [Revised and Updated edition of the 1973 Doctoral Thesis, London university].
- Shahbazi, A. Sh. (1977), "From Parsa to Taxt-e jamsid", *AMI*, Berlin, 10, pp. 197-207.
- Shahbazi, A. Sh. (1983), "Studies in Sasanian Iconography I. Narse's Investiture at Naqš-e Rostam", *AMI*, 16, pp. 255- 268.
- Shahbazi, A. Sh. (1985), "Studies in Sāsānian Prosopography II. The Relief of Ardašir II at Tāq- I Bustān", *AMI*, 18, pp. 181- 185.
- Shahbazi, A. Sh. (1986a), "Ardašir II", *Elr*, vol. II/ 4, London, pp. 380-381.
- Shahbazi, A. Sh. (1986b), "Ardašir III", *Elr*, vol. II, fasc. 4, pp. 381-382.
- Shahbazi, A. Sh. (1986c), "Ardašir Sakānšāh", *Elr*, vol. II, Fasc. 4, pp. 383-384.
- Shahbazi, A. Sh. (1989a), "Bahrām I", *Elr*, vol. III/5, pp. 514-522.
- Shahbazi, A. Sh. (1989b), "Bahrām II", *Elr*, vol. III/5, pp. 514-522.
- Shahbazi, A. Sh. (1989c), "Bahrām VI Cōbīn", *Elr*, vol. III/5, pp. 514-522.
- Shahbazi, A. Sh. (1990a), "Richard Nelson Frye: An Appreciation", *Bulletin of the Asia Institute*, pp. vii-xiv.
- Shahbazi, A. Sh. (1990b), "Bestām o Bendōy", *Elr*, vol. IV, fasc. 2, pp. 180-182.
- Shahbazi, A. Sh. (1993a), "A. D. H. Bivar as Teacher, Scholar, and Archaeologist", *Bulletin of the Asia Institute*, New Series, vol. 7, Iranian Studies in Honor of A. D. H. Bivar, pp. 2-3.
- Shahbazi, A. Sh. (1993b), "Coronation", *Elr*, vol. VI/ 3, pp. 277- 279.
- Shahbazi, A. Sh. (1998), "Studies in Sasanian Prosopography: III Barm-I Dilak: Symbolism of Offering Flowers", in *The Art and Archaeology of Ancient Persia*, ed. V. Sarkhosh, et al., I.B. Tauris, London, pp. 58-66.
- Shahbazi, A. Sh. (2001a), "Early Sasanians' Claim to Achaemenid Heritage", *Nāme-ye Irān-e Bāstān* 1/1, pp. 61- 73.
- Shahbazi, A. Sh. (2001b), "Jewellery", *The Splendour of Iran, vol. I: Ancient Times*, Booth-Clibborn Editions of London and The University Press of Iran, London, pp. 44- 46.
- Shahbazi, A. Sh. (2001c), "Scripts of Ancient Iran", *The Splendour of Iran, Vol. I, Ancient Times*, Booth-Clibborn Editions of London and The University Press of Iran, London, pp. 490-501.
- Shahbazi, A. Sh. (2002a), "Šāpur I: History", *Elr*, online edition.
- Shahbazi, A. Sh. (2002b), "A New Picture of the Achaemenid World", Pierre Briant, *History of the Persian Empire: From Cyrus to Alexander (book review)*, *Journal of Ancient Persian History*, New York, III/2, Autumn and Winter 2003-2004, pp. 69-80.
- Shahbazi, A. Sh. (2002c), "Recent Speculations on the Traditional Date of Zoroaster", *Studia Iranica*, 31/1, pp. 7-45.
- Shahbazi, A. Sh. (2003a), "The Horse That Killed Yazdagerd, The Sinner", in S. Adhami, ed., *Paitimāna, Essays in Iranian, Indo-European and Indian Studies in Honor of Hanns-Peter Schmidt*, 2 vols., Costa Mesa, California.
- Shahbazi, A. Sh. (2003b), "Yazdegerd I", *Elr*, online edition.
- Shahbazi, A. Sh. (2004a), "Historiography II: Pre-Islamic Period", *Elr*, vol. XII, fasc. 3, pp. 325-330.
- Shahbazi, A. Sh. (2004b), "Hormozan", *Elr*, Vol. XII, Fasc. 5, pp. 460-461.
- Shahbazi, A. Sh. (2004c), "Hormozd (Ormisdas), Sasanian Prince – brother of Shapur II", *Elr*, vol. XII, fasc. 5, pp. 461-462.
- Shahbazi, A. Sh. (2004d), "Hormazd II", *Elr*, vol. XII, fasc. 5, pp. 464-465.
- Shahbazi, A. Sh. (2004e), "Hormazd III", *Elr*, vol. XII, fasc. 5, pp. 465-466.
- Shahbazi, A. Sh. (2004f), "Hormozd IV", *Elr*, vol. XII, fasc. 5, pp. 466-467.
- Shahbazi, A. Sh. (2004g), "Hormozd V", *Elr*, vol. XII, fasc. 5, pp. 467-468.
- Shahbazi, A. Sh. (2004h), "Hormazd Kušānšāh", *Elr*, vol. XII, Fasc. 5, pp. 468-469.
- Shahbazi, A. Sh. (2004i), "Hormozdgān", *Elr*, vol. XII/5, pp. 469-470.
- Shahbazi, A. Sh. (2004j), "Dance i. In Pre-Islamic Iran", *Elr*, vol. VI, 1993g, pp. 640- 641.
- Shahbazi, A. Sh. (2005), "Sasanian Dynasty", *Elr*, online edition.
- Tosh, John (1991), *The pursuit of history: aims, methods and new directions in the study of modern history*, Longman.
- Yarshater, E. (1971), "Were the Sasanian Heirs to the Achaemenids?", *La Persia nel Medioevo*, Rome, pp. 517- 531.

Transliteration

- Brosius, Maria (2017), *The Persians*, translated by Mani Salehi Allameh, Tehran: Tālet Publishing House.
- Carr, Edward Hallett (2007), *What is History?* Translated by Hassan Kamshad, seventh edition: Tehran: k̄arazmī.
- Daryaei, Touraj (2006), "Memorial of Dr. Alireza Shapour Shahbazi", *Literature and Languages, Bukhara*, Issue 55, pp. 498-499.
- Daryaei, Touraj (2018), *Sasanian Persia*, translated by Khashayar Bahari, Second Edition, Tehran: Farzān Publishing House.
- Khatibi, Abolfazl (2005), "Alireza Shapour Shahbazi (1321-1385)", *Letter to Ancient Iran*, Spring and Summer, Nos. 9 and 10, pp. 3-16.
- Mollaei-Tavani, Alireza (2018), *An Introduction to the Method of Research in History*, Tehran: Ney Publishing.
- Movaffaghi, Vida (2019), *Historiography of Alireza Shapour Shahbazi*, Master's thesis, supervised by Roozbeh Zarrinkoob, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran.
- Movaffaghi, Vida; Zarrinkoob, Roozbeh (2019), "The significance and function of prosopography in the studies of Sasanian history (from Ardashir Babakan to the end of the reign of Shapur Zul-Aktaf)", *Quarterly Journal of Historical Perspective and Historiography of Alzahra University*, New Volume, No. 31, Serial 116, Spring and Summer, pp. 295-316.
- Noldeke, Theodor (2019), *Geschichte du Parser und Araber zur zeit des Sasaniden*, translated by Abbas Zaryab, Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.
- Parseh Pasargad News* (2006), Special Issue on the Death of Professor Alireza Shapour Shahbazi, Year 1, Issue 1, Shahrivar.
- Schippmann, Klaus (2011), *Grundzuge Der Geschichte Des Sasanidischen Reiches*, translated by Keikavous Jahandari, first edition: 2005, Tehran: Farzān.
- Shahbazi, Alireza Shapour (1960), "A Critique of Sassanid Seals", in A. D. H. Bivar (1969), *Book Guide*, 13, pp. 465-468.
- Shahbazi, Alireza Shapour (1996), "Horse and Horsemanship in Ancient Iran", *Journal of Archaeology and History*, Vol. 11, No. 1 and 2, pp. 27-42.
- Shahbazi, Alireza Shapour (1996), "The Army in Ancient Iran", *Journal of Archaeology and History*, Vol. 10, No. 2, Spring and Summer, pp. 22-36.
- Shahbazi, Alireza Shapour (2000), "The Myth of Incest in Ancient Iran", *Journal of Archaeology and History*, Vol. 15, No. 1 and 2, pp. 9-28.
- Shahbazi, Alireza Shapour (2018), *Ferdowsi's Analytical Biography*, translated by Hayedeh Mashaykh, Tehran: Hermes.
- Shahbazi, Alireza Shapour (2019), *Sasanian History: Translation of the Sasanian Part of the Book of Tarikh-e-Tabari and its Comparison with Tarikh-e-Bal'ami*, translated, researched and annotated by Alireza Shapour Shahbazi, University Press, first edition: 2010.
- Zarrinkoob, Abdolhossein (1999), "Archaeologist and Researcher: Interview with Alireza Shapour Shahbazi", *Research Index*, Nos. 9 and 10.
- Zarrinkoob, Abdolhossein (2007), *History on the scales: On Historiography and Historiography*, 11th edition, Tehran: Amīrkabīr Publishing House.
- Zarrinkoob, Roozbeh (2009), "The Influence and Impact of History and Archaeology", *Book of the Month of History and Geography, Mehr*, No. 137.
- Zarrinkoob, Roozbeh (2024), "Teaching and Researching Ancient Iranian History in Contemporary Iran: In Search of Tomorrow's Horizon", in the collection of papers of the International Conference on the Latest Findings in the History of Ancient Iran, Shahid Chamran University of Ahvaz, edited by Farshid Naderi.

The Approach and Method of Alireza Shapour Shahbazi in Sasanian Historiography

Extended Abstract

Introduction: Historiography, understood as the process of writing history, not only prevents past events from fading into obscurity but also generates an awareness of the past that remains relevant to the present and the future. In this sense, historiography protects history from the danger of obsolescence and destruction. In fact, historians, based on their perceptions of new sources and findings, reproduce narratives that resolve past ambiguities and answer common questions in academic circles or society. Historiographical research examines past events from the perspective of how they have been reconstructed and represented. By studying the work of historians, this type of research seeks to identify their scholarly characteristics, as well as the methods and approaches they employ in historical studies. Such methods and approaches are influenced by the intellectual climate of the period, prevailing schools of thought, and the individual disposition of the historian. The present study investigates the historiography of Alireza Shapour Shahbazi to determine how his intellectual outlook and research methods shaped both his historical writings and the reception they have received from the readers. The principal hypothesis of this study is that Shahbazi employed modern historiographical methods in reconstructing Sasanian history and integrated these methods with an Iran-centred intellectual perspective. Shahbazi's historiography encompasses the Achaemenid, Parthian, and Sasanian periods, as well as broader historical concepts. To date, it has only been systematically examined in the author's master's thesis at the University of Tehran. Studies devoted to Iranian historians of the ancient world are similarly rare, one example being Mohammad Bakhtiari's study of the historiography of Abdolhossein Zarrinkoub, published in 1392 SH (2013–2014).

Method: Since the principal sources for examining a historian's historiography consist of the historian's own statements and writings, this article adopts a library-based research method and focuses on Shahbazi's works concerning the Sasanian period. It first employs a descriptive method to introduce these works. References are also made to the views expressed by other scholars regarding Shahbazi and his scholarship. The study subsequently considers both the works specifically devoted to the Sasanians and Shahbazi's other publications in which the Sasanian period is discussed. On this basis, it analyses his scholarly practice, research methods, and intellectual approaches to identify the principal characteristics of his historiography. An understanding of a historian's personal and social background, as well as their lived experience, is clearly essential for identifying the assumptions and perspectives

underlying their historical writing. Accordingly, this study examines Shahbazi's conception of history to reveal the influence of his beliefs, presuppositions, and motivations on his historiographical practice.

Findings: By studying Shahbazi's practical work and views, it became clear what approaches and methods Alireza Shapour Shahbazi used to examine and analyze events and topics related to the Sasanian history. Both in his statements and in his scholarly practice, Shahbazi emphasised the analysis of historical events and the identification of their causes. He generally began by providing a thick description of the geographical and physical setting in which an event occurred, thereby familiarizing the reader with its context. He situated the reader within a detailed account of the subject, the relevant sources, available data, and scholarly findings before critically assessing and verifying the reliability of those sources and findings. Such thick description raised the reader's understanding to a level at which description itself became an integral part of the analysis. Shahbazi would then defend his interpretation by presenting evidence and supporting arguments. This procedure can be observed throughout much of his scholarship, including his use of prosopography and iconography, as well as in the annotations he prepared for his book *The History of the Sasanians*. Shahbazi also employed comparative and contrastive methods to examine historical processes, particularly in relation to social and cultural subjects. In articles devoted to broader historical concepts, he often traced a subject from the earliest periods of antiquity and, in some instances, followed its influence through the Islamic period and into modern times. In doing so, he sought to clarify the processes of change and transformation for his readers.

Discussion and Conclusion: This study was conducted to provide a practical example of how Iranian historians working in the field of Sasanian history may be evaluated. By examining Shahbazi's intellectual outlook and methodological practices as reflected in his writings, the study sought to demonstrate the extent of his contribution to the revision of existing historical accounts and the production of new ones. While adhering to scholarly and methodological standards, Shahbazi consistently investigated the transformation and continuity of Sasanian history and culture, both in neighbouring regions and in post-Islamic Iran through to the modern period. An examination of his historiography of the Sasanian era demonstrates that his commitment to Iran and his interest in promoting an understanding of the Iranian history and culture motivated him to undertake systematic and well-documented research that gained recognition within international academic circles. Shahbazi employed descriptive, narrative, and analytical approaches in presenting his findings. His critical examination of data and evidence provided the basis for analyzing historical subjects and identifying either the immediate cause or the interconnected chain of causes behind the emergence of an event. In addressing political, social, and especially

cultural subjects, he did not confine events to isolated historical moments. Instead, he examined each event in relation to the changes and transformations it underwent over time.

Given that Shahbazi's works cover the entirety of ancient Iranian history and that he published extensively on general historical concepts and subjects related to the *Shahnameh*, his methods and intellectual outlook need to be examined separately in each of these fields and subsequently assessed as a whole. Such an approach is necessary to reveal the full scope and various dimensions of his scholarship. Historical writing involves an inseparable relationship between textual and material sources and a variety of political, social, and cultural approaches. A comprehensive understanding of Shahbazi's historiography can, therefore, only be achieved by examining his treatment of each period of ancient history and each general historical concept independently and then comparing and evaluating them in relation to one another.

Keywords: Alireza Shapour Shahbazi, Historiography, Sasanian History, Historical Methodology.